

## صنایع کوچک و اصلاحات اقتصادی

دکتر محمد مولایی<sup>۱</sup> و مرحوم دکتر مرتضی قره‌باغیان<sup>۲</sup>

### چکیده

صنایع کوچک در ایران علیرغم آنکه بیش از ۹۸٪ از واحدهای صنعتی و بیش از ۵۰٪ کارکنان شاغل در بخش صنعت را در خود جای داده است، در ساختار اقتصادی ایران از جایگاه مطلوبی برخوردار نمی‌باشد و این نه به علت کوچکی اندازه آن بلکه به علت عدم برخورداری این صنایع از مکانیزم‌هایی است که منجر به رشد و گسترش آنها و رقابت پذیری محصولات آنها می‌باشد. سؤال مطرح در این مقاله آن است که صنایع کوچک در ساختار اقتصادی ایران از چه جایگاهی برخوردار است و سهم آن در فرایند توسعه صنعتی کشور چگونه است؟

در این مقاله ابتدا به اهمیت و نقش صنایع کوچک در فرایند توسعه صنعتی با توجه به مطالعات خارجی و داخلی پرداخته می‌شود. سپس با استفاده از شاخص‌های مختلف اقتصادی به مقایسه مزیت‌های صنایع کوچک و بزرگ در اقتصاد ایران پرداخته می‌شود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که صنایع کوچک در بسیاری از شاخص‌های مورد مطالعه فاقد مزیت نسبی نسبت به صنایع بزرگ می‌باشد و این ناشی از معضلات ساختاری در بخش صنعت در اقتصاد ایران است. بدین معنی که عوامل برون بنگاهی و درون بنگاهی در رشد مطلوب صنایع کوچک و قابل رقابت بودن محصولات آنها با صنایع بزرگ دخالت دارند. بدیهی است که رفع مشکلات و موانع موجود در گسترش صنایع کوچک موثر می‌باشد. واژگان کلیدی: صنایع کوچک - صنایع بزرگ - توسعه صنعتی - اقتصاد ایران.

### ۱- مقدمه

چنانچه می‌دانیم از نظر تاریخی، صنعتی شدن مقدم بر توسعه یافتگی است. شواهد تاریخی نیز حاکی از آن است که کشورهایی که امروزه توسعه یافته تلقی می‌شوند، بعد از انقلاب صنعتی، اروپا ابتدا صنعتی شده یعنی دارای فرهنگ و سازمان دهی صنعتی و تکنولوژی پیشرفته در کلیه امور اقتصادی و اجتماعی خود شدند که نتیجه آن توسعه یافتگی در امور اقتصادی و اجتماعی بود.

امروزه صنعتی شدن و توسعه یافتگی رابطه مستقیم و تنگاتنگی با یکدیگر دارند و گاهی اوقات مترادف با یکدیگر به کار می‌روند. و کلیه اقتصاددانان تنها راه توسعه صنعتی نه تنها موجب عرضه کالاهای صنعتی مورد نیاز جامعه شده بلکه بیشتر موجبات افزایش کارایی و نوسازی را در سایر بخش‌های اقتصادی فراهم می‌نماید و باعث افزایش نوآوری، بهبود روش‌های مدیریت و پیشرفت سطح مهارت‌های فنی می‌گردد.

۱. استادیار دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

۲. دانشیار سابق دانشگاه تربیت مدرس.

با توجه به مقدمه فوق، اگر بپذیریم که شرط رسیدن به توسعه اقتصادی، توسعه صنعتی می‌باشد، این سؤال که استراتژی توسعه صنعتی در کشور مبتنی بر توسعه و گسترش چه نوع صنعتی باشد، نیز جای تأمل و مطالعه می‌باشد. در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، بیشتر کشورهای صنعتی پیشرفته و اکثریت کشورهای سوسیالیستی، استراتژی توسعه صنعتی خود را بر توسعه و گسترش صنایع بزرگ متکی کرده بودند. اما از دهه ۹۰ به بعد، کشورهای جنوب شرقی آسیا از قبیل مالزی، سنگاپور، فیلیپین، کره جنوبی و تایوان و همچنین چین، ژاپن و هندوستان به طور جدی رو به توسعه و گسترش صنایع کوچک خود نموده و کشورهای صنعتی پیشرفته از قبیل ایتالیا، آلمان، استرالیا، کانادا و حتی آمریکا نیز به این استراتژی روی آورده اند.

بنابراین انتخاب رشد و گسترش صنایع کوچک به عنوان محور توسعه صنعتی و اقتصادی، نیاز به اصلاحات ساختاری در بخش صنعت و اقتصاد دارد. منظور از اصلاحات ساختاری یعنی ایجاد تحولی عمیق و بنیادی در برنامه ریزی های کلان کشور به منظور تغییر در ساختارها و نهادهای سنتی صنعتی و اقتصادی و جایگزینی نهادهای جدید جهت رسیدن به یک هدف خاص و همچنین رفع انواع موانع - رسیدن به هدف - می‌باشد.

به نظر می‌رسد که با توجه به تجارب کشورهای پیشرفته صنعتی و در حال توسعه، در نظر گرفتن رشد و گسترش صنایع کوچک به عنوان محور توسعه صنعتی و اقتصادی کشور به یک برنامه ریزی صحیح در سطح کلان و برخورداری از انواع نهادها و قوانینی نیاز دارد که هموار کننده رشد مطلوب آنها باشد؛ به طوری که قدرت رقابتی این صنایع را با صنایع بزرگ داخلی و خارجی افزایش داده و زمینه ساز ایجاد اشتغال در اقصی نقاط کشور باشد.

صنایع کوچک بنابر تازه ترین تعریف سازمان صنایع کوچک ایران، به صنایعی اطلاق می‌شود که تعداد شاغلان آن بین ۵ تا ۴۹ نفر و صنایع بزرگ به صنایعی گفته می‌شود که تعداد شاغلان آن ۵۰ نفر و بیشتر باشد.<sup>۳</sup>

سؤال مطرح در این مقاله آن است که صنایع کوچک که بیش از ۹۸٪ از واحدهای صنعتی و بیش از ۵۰٪ از کارکنان شاغل در بخش صنعت را در خود جای داده است، در ساختار اقتصادی ایران از چه جایگاهی برخوردار است؟ و سهم آن در فرایند توسعه صنعتی کشور چگونه است؟ جهت پاسخ به سؤال فوق ابتدا برخی از مطالعات انجام شده درباره نقش و جایگاه صنایع کوچک در توسعه اقتصادی بیان می‌گردد. سپس با استفاده از شاخص های مختلف اقتصادی، به مقایسه صنایع کوچک و بزرگ در اقتصاد ایران پرداخته و مزیت های آنها را نسبت به یکدیگر مورد مطالعه قرار داده و در نهایت پیشنهادهای جهت اصلاح ساختار اقتصادی ایران در بخش صنعت به منظور تقویت سهم صنایع کوچک در فرایند توسعه اقتصادی کشور مطرح می‌گردد.

۱. سازمان صنایع کوچک: مجموعه اهداف، سیاستها و دستورالعمل‌های اجرایی؛ تهران: سازمان صنایع کوچک، ۱۳۸۰.

## ۲- مروری بر سابقه مطالعات

### ۲-۱- مقدمه

گرچه اکثر اقتصاددانان، صنعتی شدن و توسعه یافتگی را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته و گاهی اوقات مترادف با یکدیگر به کار می‌برند و تنها راه توسعه اقتصادی را در کشورهای جهان، توسعه صنعتی و صنعتی شدن می‌دانند، اما در پاسخ به این سؤال که کدامیک از صنایع کوچک و بزرگ نقش مؤثرتری در فرایند توسعه صنعتی کشورها به خصوص کشورهای جهان سوم دارند، بین آنها اختلاف نظر وجود دارد. طرفداران گسترش صنایع کوچک معتقدند که صنایع کوچک دارای مزیت‌های زیادی برای کشورهای در حال توسعه در فرایند توسعه صنعتی و اقتصادی می‌باشد که مهمترین آنها عبارت است از نیاز به سرمایه کم، پتانسیل اشتغال‌زایی بالا، سهم کم واردات مواد خام در کل مواد خام مصرفی، از بین بردن اختلاف درآمدی و منطقه‌ای در جریان توسعه اقتصادی، جمع‌آوری و استفاده از کارآفرینان و نوآوران پراکنده و همچنین پس‌اندازهای کوچک جهت سرمایه‌گذاری و استفاده کامل از منابع و مواد خام محلی.

طرفداران گسترش صنایع بزرگ به نقش مؤثرتر صنایع بزرگ در توسعه صنعتی کشورهای در حال توسعه اشاره می‌کنند و دلایلی مبنی بر سهم کم ارزش تولیدات صنایع کوچک در تولید ناخالص داخلی، بهره‌وری پایین و استفاده از تکنولوژی ماشین‌آلات و تجهیزات کارخانه‌ای نه چندان پیشرفته را به عنوان علل فقدان مزیت صنایع کوچک نسبت به صنایع بزرگ مطرح می‌نمایند. تجارب کشورهای موفق در توسعه صنعتی از قبیل کشورهای جنوب شرقی آسیا، حاکی از آن است که این کشورها استراتژی توسعه صنعتی و اقتصادی خود را بر پایه رشد و گسترش صنایع کوچک پی‌ریزی نموده‌اند. همچنین کشورهای صنعتی که از طرفداران شدید تجارت جهانی می‌باشند، با درک صحیح از بازار جهانی، راه پاسخگویی به روند تقاضا و خواسته‌های مصرف‌کنندگان را توسعه صنایع کوچک دیده‌اند و از طریق تشکل‌هایی به صورت پیمانکاری فرعی و شبکه‌های خوشه‌ای در صنایع خود، قدرت رقابتی آنها را در سطح جهانی بالا برده و موفقیت‌های زیادی را به دست آورده‌اند.

در ذیل برخی مطالعات انجام شده درباره نقش صنایع کوچک و بزرگ در توسعه صنعتی و اقتصادی در خارج از کشور را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۲-۲- مطالعات خارجی

۱- عده‌ای از اقتصاددانان، کاهش سهم صنایع کوچک در تولید ناخالص داخلی کشورها را یکی از علائم افول نقش صنایع کوچک در اقتصاد می‌دانند و علل مختلفی را برای آن مطرح می‌کنند؛ به عنوان مثال:

- ریتولد<sup>۱</sup> اقدام به مقایسه سهم صنایع کوچک و بزرگ در تولید ناخالص داخلی کشورهای اندونزی، مالزی، مصر و تونس در دهه ۱۹۷۰ نموده و نتیجه گرفته است که سهم صنایع کوچک در تولید

1. Rietveld, P; "Rural Small Scale Industries in Developing Countries , Indonesian Experience Development of Economic , Amsterdam , Free University ; 1988.

ناخالص داخلی کشورهای فوق در سال‌های اخیر کاهش یافته و دلیل آن رقابت روزافزون صنایع بزرگ با صنایع کوچک است. و به علت برخورداری صنایع بزرگ از بهره‌وری بالا، صنایع کوچک از میدان رقابت خارج شده‌اند.

- براون و لانگنکر<sup>۵</sup> علل کاهش سهم صنایع کوچک در تولید ناخالص داخلی کشورهای هندوستان، بنگلادش، پاکستان و نپال در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ را مورد مطالعه قرار داده و نتیجه گرفته است که کاهش سهم صنایع کوچک در تولید ناخالص داخلی کشورهای در حال توسعه بیشتر ناشی از مشکلات مدیریت فردی آنها بوده است.

- اسکرس و گافی<sup>۶</sup> و گزارش بالتون<sup>۷</sup> که برنامه‌های توسعه اقتصادی - صنعتی کشورهای فیلیپین، سودان، یونان و سریلانکا را مورد مطالعه قرار داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که کاهش سهم صنایع کوچک در اقتصاد این کشورها، بیشتر ناشی از عدم دسترسی آنها به منابع مالی کافی بوده است و بعضاً صنایع کوچک در جهت استفاده از صرفه‌جویی‌های در مقیاس، خود را به صنایع بزرگ تبدیل نموده‌اند.

۲- عده‌ای از اقتصاددانان، کاربرد بودن صنایع کوچک را به عنوان عاملی جهت مزیت نسبی تولیدات صنایع کوچک نسبت به صنایع بزرگ می‌دانند. به عنوان مثال: راپ<sup>۸</sup> و بروچ<sup>۹</sup> معتقدند که صنایع کوچک با تولید کالاهای ارزان کاربرد می‌توانند محصولات خود را در دنیای خارج به فروش رسانند و از مزیت نسبی تولیدات خود بهره‌گیرند.

۳- عده‌ای از اقتصاددانان، انتخاب تکنولوژی مناسب در توسعه صنعتی و گزینش صنایع کوچک را دو موضوع مرتبط به هم تلقی می‌کنند؛ به عنوان مثال:

- روزنبرگ (Rosenberg, 1976) معتقد است که صنایع کوچک در ارتباط با توسعه تکنولوژی بومی نقش اساسی دارند. تکیه بر تکنولوژی وارداتی باعث وابستگی به خارج و بی‌میلی افراد ماهر بومی در استفاده از تکنولوژی موجود بومی و به‌کارگیری صنایع سرمایه‌ای متناسب با نیازهای جامعه می‌گردد. این موضوع تأکید بر آن مسئله دارد که تکنولوژی بومی و مناسب زمانی امکان‌پذیر می‌گردد که ارتباطی بین تولیدکننده و سازنده تکنولوژی و استفاده آن وجود داشته باشد.

- ردی و پراساد<sup>۱۰</sup> ضمن الهام از نظریات گالبرایت در ارتباط با تقلید از تکنولوژی پیشرفته ممالک صنعتی با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی کشورها و به‌کارگیری درایت و تشخیص در نحوه به‌کارگیری آن برای رهایی هند از حالت توسعه نیافتگی، توصیه به استفاده از تکنولوژی‌هایی می‌کنند که کمتر سرمایه‌بر و بیشتر کاربر هستند، ولی همچنین توصیه به رجحان به‌کارگیری صنایع روستایی و صنایع

2. H.N. Brown and J.G Lanagencker ; "Small Business Management , Cincinnati , South West Publishing; 1975.

3. R Scarce and Coffee; The Rural World of the Small Business Owner ; London Croom; 1986.

4. Bolton; Report of the Committee of Injury on Small Firms , CMND. H811, London , H.M Stationary Office ; 1971.

5. N, Bruch; Small Establishment as Exports of Manufactures : Tentative Evidence from Malaysia , Development; vol. 8; 1980.

6. A.K.N Reddy and K.K Prasad; Technical Alternatives and the Indian Energy Crisis , Economic and political Weekly , Bombay , Specia; no.1; August; 1977.

1. Penrose ; The Growth of Firms , London , Frank Cass; 1971.

کوچک نسبت به صنایع بزرگ می‌نمایند. گرچه پیشنهاد ردی و پرساد برای رهایی هند از بحران اقتصادی توسعه توصیه شده بود، اما می‌تواند سرمشق سایر ممالک در حال توسعه ای باشد که دارای نیروی کار فراوان و آماده به کار هستند.

۴- پن روز<sup>۱۱</sup>: معتقد است که بنگاه‌های کوچک به علت هزینه‌های عمومی کم و ظرفیت محدود ماشین آلات، انعطاف پذیری بیشتری نسبت به بنگاه‌های بزرگ دارند و لذا امکان رشد آنها با به‌کارگیری ماشین آلات جدید با فن آوری پیشرفته زیاده‌تر است. وی معتقد است که قدرت رقابت پذیری صنایع کوچک به علت پایین بودن قیمت کالاهای تولیدی آن صنایع نسبت به کالاهای مشابه صنایع بزرگ به خاطر امکان تولید محصولات متنوع، پایین بودن هزینه‌های تحقیق و توسعه (R & D) تبلیغات و بازاریابی آنها نسبت به صنایع بزرگ بیشتر است.

۵- لیتل<sup>۱۲</sup> در یک بررسی تحت عنوان «ساختار اندازه صنعتی در هندوستان در یک نگرش جهانی»، به مطالعه و مقایسه صنایع کوچک و بزرگ هندوستان و مقایسه آن با کشورهای کره جنوبی، تایوان و آمریکا طی دهه ۱۹۷۰ اقدام نموده است. وی تعداد کارگاهها و تعداد شاغلان ارزش افزوده و ارزش تولیدات و هزینه دستمزدهای پرداختی به کارکنان صنایع کوچک و بزرگ را مورد محاسبه قرار داده است. نتایج بررسی وی حاکی از آن است که عمدتاً با تکنولوژی ماشین آلات پیشرفته مشغول به کار هستند. از صنایع کوچک بیشتر است، لکن صنایع کوچک از لحاظ فراوانی تعداد کارگاهها و نیروی کار شاغل در خود، قدرت اشتغال زایی و عدم تراکم مکانی دارای مزیت‌های نسبت به صنایع بزرگ هستند و همین نتیجه در کشورهای کره جنوبی، تایوان و آمریکا صدق می‌کند.

۶- پیلات<sup>۱۳</sup> معیار بهره‌وری را برای مقایسه صنایع مختلف کره جنوبی با آمریکا و اروپا در نظر گرفته است. بر اساس نتایج مطالعه وی گرچه بهره‌وری در بعضی از صنایع کره مانند چرم، فلزات و ماشین آلات در حد بهره‌وری صنایع آمریکا بوده است. به نظر وی، عواملی نظیر شدت به‌کارگیری سرمایه، صرفه‌جویی ناشی از مقیاس تولید در صنایع و سطح تحصیلات نیروی کار از مهمترین عوامل مؤثر در تفاوت بهره‌وری صنایع کره جنوبی با آمریکا به شمار می‌رود.

## ۳-۲- مطالعات داخلی

تحقیقاتی که در مورد صنایع کوچک در ایران انجام شده، مبتنی بر تحلیل‌های توصیفی بوده و یا در صورت استفاده آماری، از شاخص‌های مقطعی کمک گرفته شده است. از جمله این تحقیقات می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

2. Lan Little M.O; Mazumdar , Dipak'M. Page, Jr, M'Small Manufacturing Enterprises; oxford University Press; 1987.

3. Lan Little M.O; Mazumdar , Dipak'M. Page, Jr, M'Small Manufacturing Enterprises; Oxford University Press; 1987.

1. Drik pilat; Comparative Productivity of Korea Manufacturing : 1967-1987; Journal of Developing Economics; vol. 46.

مهری ثقفی<sup>۱۴</sup> در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی اجمالی صنایع کوچک و اشتغال»، که توسط وزارت کار و امور اجتماعی منتشر شده، اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی را مورد مطالعه و مقایسه قرار داده و در بخش صنعت مقایسه‌ای بین میزان اشتغال در صنایع کوچک و بزرگ نموده است. سپس امکانات بالقوه اشتغال زایی کشور در صنایع کوچک را از طریق گسترش این صنایع و رفع مشکلات آن مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

- عزت... افشار<sup>۱۵</sup> در پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «بررسی تطبیقی استراتژی صنایع کوچک» در دانشگاه تهران، به مطالعه نقش صنایع کوچک در فرایند توسعه صنعتی کشورهای چین، ژاپن، هندوستان و ایران اقدام نموده است. وی ضمن تجزیه و تحلیل نقش صنایع کوچک در برنامه‌های توسعه صنعتی کشورهای فوق، موانع و مشکلات صنایع کوچک در ایران را مورد بحث قرار داده و پیشنهادهای جهت رفع آن ذکر نموده است.

- منیره قره‌چه<sup>۱۶</sup> در مطالعه‌ای اجمالی تحت عنوان «مدیریت صنایع کوچک» که از سوی مؤسسه کار و تأمین اجتماعی منتشر شده، اهمیت و نقش صنایع کوچک در توسعه صنعتی و اقتصادی را مورد بحث قرار داده است. وی مزایای پیمانکاری‌های فرعی بین صنایع کوچک و بزرگ را در شهر و توسعه صنعتی و اقتصادی کشور مورد مطالعه قرار داده و مدل‌های مختلف پیمانکاری فرعی را در بین صنایع مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در انتها مشکلات و تنگناهای رشد صنایع کوچک در ایران را مطرح نموده است.

- ضیاء هدایی<sup>۱۷</sup> در رساله دکتری تحت عنوان «نقش صنایع کوچک در اقتصاد ایران» پس از ذکر تاریخچه‌ای از وضعیت صنایع کوچک خانگی روستایی غیر کارخانه‌ای از دوران ما قبل اسلام تا زمان حال در ایران، اهمیت ایجاد صنایع کوچک کارخانه‌ای را در توسعه اقتصادی کشور مطرح نموده و ایجاد اشتغال را از طریق گسترش صنایع کوچک در ایران توصیه می‌نماید و در انتها مشکلات و موانع موجود در گسترش صنایع کوچک را ذکر نموده و حمایت دولت را جهت حل آن پیشنهاد می‌نماید.

### ۳- شاخص‌های اقتصادی مورد استفاده در تحقیق

شاخص‌های مورد استفاده در تحقیق و نحوه محاسبه آنها از نتایج آمارگیری کارگاه‌های صنعتی که همه ساله توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود و همچنین از کتب و نشریات منتشر شده توسط وزارت صنایع و معادن و سازمان یونیدو (UNIDO) ارائه شده و به شرح ذیل می‌باشد:

- کارگاه صنعتی (واحد تولیدی): مکان ثابتی است که در آن مجموعه‌ای از سمراه و نیروی کار به منظور تولید یک یا چند محصول صنعتی به کار گرفته شده است.

۲. مهری ثقفی؛ بررسی اجمالی صنایع کوچک و اشتغال؛ وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۶۴.

۳. عزت... افشار؛ بررسی تطبیقی استراتژی صنایع کوچک؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

۴. منیره قره‌چه؛ مدیریت صنایع کوچک؛ مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۷۷.

۱. ضیاء هدایی؛ نقش صنایع کوچک در اقتصاد ایران؛ رساله دکتری، ۱۳۴۱.

- کل شاغلان (کارکنان): مجموع شاغلان تولیدی که مستقیماً با تولید و ساخت سرو کار دارند و شاغلان غیر تولیدی که شامل کارکنانی هستند که مستقیماً در امور تولید و ساخت دخالت ندارند را کل شاغلان واحد تولیدی می‌گویند.
- ارزش افزوده فعالیت صنعتی: عبارت از مابه‌التفاوت ارزش ستانده و ارزش داده فعالیت صنعتی است.
- سرمایه‌گذاری: عبارت از تغییرات ایجاد شده در ارزش اموال سرمایه‌ای (ارزش خرید و هزینه تعمیرات اساسی منهای ارزش فروش یا انتقال اموال سرمایه‌ای) در طی دوره آماری است.
- ارزش تولیدات کارگاه صنعتی: عبارت از مجموع ارزش کالاهای تولید شده، ارزش ضایعات قابل فروش و تغییرات ارزش موجودی انبار کالاهای در جریان ساخت است.
- ارزش جبران خدمات مزد و حقوق بگیران: عبارت از مزد و حقوق و سایر پرداختی‌ها به شاغلان و کارکنان است.
- بهره‌وری کار: عبارت از نسبت ارزش افزوده به تعداد کل شاغلان است.
- مقیاس تولید: از نسبت ارزش افزوده به تعداد کل کارگاههای صنعتی به دست می‌آید و بیانگر متوسط ارزش افزوده هر کارگاه صنعتی می‌باشد. هرچه نسبت فوق بزرگتر باشد، نشانه مقیاس تولید بیشتر کارگاه صنعتی است.
- وابستگی و به‌هم پیوستگی صنایع: از نسبت ارزش افزوده ارزش تولید به دست می‌آید و بیانگر ارتباطات پیشین و پسین صنایع است.
- هرچه این نسبت بیشتر باشد، بیانگر آن است که صنعت موردنظر دارای ارتباطات پیشین و پسین بیشتری است و این به نفع جامعه است.
- متوسط ارزش سرمایه‌گذاری: از نسبت ارزش سرمایه‌گذاری به تعداد کل کارگاهها به دست می‌آید و بیانگر علاقه به سرمایه‌گذاری در واحدهای صنعتی است. هرچه نسبت فوق بالا باشد، بیانگر علاقه بیشتر به سرمایه‌گذاری در صنعت موردنظر است.
- بعد کارگاه صنعتی: از نسبت تعداد شاغلان به تعداد کارگاه‌ها به دست می‌آید و بیانگر متوسط شاغلان در یک کارگاه صنعتی است. هرچه نسبت فوق بالا باشد، مؤید استفاده از تکنولوژی کاربر در کارگاه صنعتی مربوطه است.
- دستمزد سرانه: از نسبت جبران خدمات مزد و حقوق بگیران به تعداد کل آنها به دست می‌آید و بیانگر آن است که متوسط دستمزد در هر کارگاه صنعتی چقدر است.
- سودآوری: از اختلاف ارزش ستانده با هزینه‌ها (شامل: هزینه داده‌ها، سرمایه‌گذاری سالانه و هزینه دستمزد و حقوق) به دست می‌آید و بیانگر مقدار سودآوری و توان رقابتی هر فعالیت صنعتی می‌باشد.
- سرمایه‌گذاری سرانه: از نسبت سرمایه‌گذاری به تعداد کل شاغلان به دست می‌آید و بیانگر آن است که به‌طور متوسط برای ایجاد هر شغل چه میزان سرمایه‌گذاری در هر فعالیت صنعتی لازم است.

- درجه وابستگی صنایع به منابع خارجی: از نسبت مواد اولیه خارجی مصرف شده به کل منابع مورد استفاده در صنایع به دست می‌آید. هرچه این نسبت کوچکتر باشد، بیانگر وابستگی کمتر صنعت به منابع خارجی است.

آمار مورد استفاده در تحقیق از نتایج آمارگیری درکارگاه‌های صنعتی که همه ساله توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود، اقتباس شده است. ویژگی‌های آمار منتشر شده کارگاه‌های صنعتی به شرح ذیل می‌باشد:

- آمار کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن به بالا، از سال ۱۳۵۲ تا کنون همه ساله تهیه و منتشر می‌شود.  
- آمار کارگاه‌های صنعتی کمتر از ۱۰ نفر کارکن، از سال ۱۳۶۶ به بعد به صورت مقطعی منتشر شده است.

البته آمار مربوط به سال ۱۳۷۳، از طریق سرشماری از کارگاه‌های صنعتی کوچک تهیه شده و در مابقی سال‌ها، نمونه‌گیری آماری به عمل آمده است.

- در سال ۱۳۶۴، ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷، آمار صنایع زیر ۱۰ نفر کارکن منتشر نشده است. و لذا برای سال‌های فوق، آمار مربوطه با نظر کارشناسان مرکز آمار ایران برآورد شده است.

در این تحقیق ابتدا وضعیت صنایع کوچک و بزرگ توسط شاخص‌های فوق طی سال‌های ۱۳۶۶-۷۷ مورد مطالعه قرار می‌گیرد، اما جهت مقایسه صنایع سه مقطع زمانی زیر در نظر گرفته شده است:

الف) سال ۱۳۶۶: اولین سالی است که آمار صنایع کوچک (زیر ۵۰ نفر کارکن) در دسترس بود و لذا این سال به عنوان سال پایه است.

ب) سال ۱۳۷۳: آمار این سال به علت اینکه از طریق سرشماری از کارگاه‌های صنعتی تهیه شده دارای اهمیت زیادی است زیرا بیشتر منعکس کننده واقعیت جامعه می‌باشد.

ج) در سال ۱۳۷۷: در زمان انجام تحقیق، آخرین سالی بود که آمار صنایع در دسترس بود. حال با استفاده از شاخص‌های ارائه شده در تحقیق، اقدام به مقایسه صنایع کوچک و بزرگ و بررسی مزیت آنها نسبت به یکدیگر می‌گردد. ضمناً مطالعه شاخص‌های موردنظر تحقیق، نه تنها برای کل صنایع کوچک و بزرگ بلکه برای زیر بخش‌های صنایع مذکور که طبق دومین ویرایش طبقه بندی استاندارد بین‌المللی فعالیت‌های اقتصادی (I. S. I. C., Rev.2) انجام و بر اساس آن صنایع به ۹ گروه زیر تفکیک شده است.



## گروه صنعت

صنایع غذایی، آشامیدنی و دخانیات

صنایع نساجی، پوشاک و چرم

صنایع چوب و محصولات چوبی

صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی

صنایع شیمیایی، نفت و پتروشیمی

صنایع محصولات کانی و غیرفلزی

بجز فرآورده های نفت و زغال سنگ

صنایع تولیدات فلزات اساسی

صنایع ماشین آلات و تجهیزات

ابزار و محصولات فلزی

صنایع متفرقه

**۴- یافته های تحقیق**

پس از مطالعه و مقایسه مزیت های صنایع کوچک و بزرگ ایران طی سال های ۱۳۶۶-۷۷ از نظر شاخص های مختلف اقتصادی، نتایج به دست آمده در جدول شماره (۱) برای کل صنایع کوچک و بزرگ به صورت کم و زیاد نشان داده شده است. بدین معنی که پس از مطالعه روند شاخص ها در طول سال های ۱۳۶۶-۷۷ مقدار کمی آنها برای صنایع کوچک و بزرگ در نظر گرفته شده و بصورت کم یا زیاد مشخص گردیده است.

همچنین نتایج مقایسه فعالیت های مختلف صنعتی کوچک و بزرگ در سال های ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷ با توجه به شاخص های اقتصادی مورد مطالعه، در جدول (۲) ارائه شده است.

یافته های تحقیق در ارتباط با مقایسه مزیت های صنایع کوچک و بزرگ به شرح ذیل می باشد:

جدول ۱- نتایج مقایسه مزیت های کل صنایع کوچک و بزرگ در ایران از ابعاد مختلف اقتصادی

شاخص صنعت	صنایع کوچک	صنایع بزرگ
تعداد کارگاهها	زیاد	کم
کل شاغلان	زیاد	کم
ارزش افزوده	کم	زیاد
ارزش سرمایه گذاری	در سال ۱۳۶۶ زیاد اما از سال ۱۳۷۷ به بعد کم	بجز سال ۱۳۶۶، زیاد
ارزش جبران خدمات	کم	همواره زیاد
ارزش تولید	در سال ۱۳۶۶ زیاد و از سال ۱۳۷۳ به بعد کم	در سال ۱۳۶۶ کم و از سال ۱۳۷۳ به بعد زیاد
بهره وری کار	کم	زیاد
مقیاس تولید	کم	زیاد
وابستگی و به هم پیوستگی واحدهای تولیدی	زیاد	کم
متوسط ارزش سرمایه گذاری	کم	زیاد
سرمایه گذاری سرانه	زیاد	کم
بعد کارگاه	کم	زیاد
دستمزد سرانه	کم	زیاد
سود آوری	طی سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۷۳ زیاد و از سال ۱۳۷۷ به بعد کم	در سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۷۳ کم و از سال ۱۳۷۷ به بعد زیاد
درجه وابستگی به منابع خارجی	کم	زیاد

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۲- نتایج مقایسه فعالیت‌های مختلف کوچک و بزرگ صنعتی در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷ از

ابعاد مختلف اقتصادی

شاخص سال	۱۳۶۶	۱۳۷۷
تعداد کارگاهها	صنایع کوچک همواره بیشتر از صنایع بزرگ است.	صنایع کوچک همواره بیشتر از صنایع بزرگ (اما در سال ۱۳۷۷، از تعداد کارگاههای فعالیت‌های صنایع کوچک کاسته و به تعداد کارگاه بزرگ صنعتی افزوده شده است)
تعداد شاغلان	فعالیت‌های کد ۳۵ و ۳۷ صنایع کوچک کمتر از صنایع بزرگ	فعالیت‌های کد ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷ صنایع کوچک کمتر از صنایع بزرگ
ارزش افزوده	فعالیت‌های کد ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۸، ۳۹ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ	فعالیت‌های کد ۳۳، ۳۹ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ
ارزش جبران خدمات	فعالیت کد ۳۹ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ	فعالیت کد ۳۹ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ
ارزش سرمایه‌گذاری	فعالیت کد ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ	فعالیت کد ۳۹ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ
ارزش تولیدات	فعالیت کد ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۳۹ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ	فعالیت کد ۳۳ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ
بهره وری کار	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک
مقیاس تولید	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک
وابستگی و به هم پیوستگی	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک	فقط فعالیت‌های کد ۳۵، ۳۶، ۳۷ صنایع بزرگ بیشتر از صنایع کوچ
ارزش متوسط سرمایه‌گذاری	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک
سرمایه‌گذاری سرانه	صنایع کوچک (بجز فعالیت‌های کد ۳۲، ۳۶ و ۳۹) بیشتر از صنایع کوچک	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک
بعد کارگاه صنعتی	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک
دستمزد سرانه	صنایع بزرگ بجز فعالیت‌های کد ۳۵ و ۳۷ بیشتر از صنایع کوچک	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک
درجه وابستگی به منابع خارجی	صنایع بزرگ بجز فعالیت کد ۳۴ بیشتر از صنایع کوچک	صنایع بزرگ بجز فعالیت کد ۳۳ بیشتر از صنایع کوچک
سودآوری صنعت	صنایع کوچک بجز فعالیت کد ۳۱، ۳۵، ۳۶ و ۳۷ بیشتر از صنایع بزرگ	صنایع کوچک بجز فعالیت کد ۳۳ و ۳۹ کمتر از صنایع بزرگ

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۳ - نتایج مقایسه فعالیت‌های مختلف کوچک و بزرگ صنعتی در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷ از

ابعاد مختلف اقتصادی

شاخص سال	۱۳۶۶	۱۳۷۷
تعداد کارگاهها	صنایع کوچک همواره بیشتر از صنایع بزرگ است.	صنایع کوچک همواره بیشتر از صنایع بزرگ (اما در سال ۱۳۷۷، از تعداد کارگاههای فعالیت‌های صنایع کوچک کاسته و به تعداد کارگاه بزرگ صنعتی افزوده شده است)
تعداد شاغلان	فعالیت‌های کد ۳۵ و ۳۷ صنایع کوچک کمتر از صنایع بزرگ	فعالیت‌های کد ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷ صنایع کوچک کمتر از صنایع بزرگ
ارزش افزوده	فعالیت‌های کد ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۸، ۳۹ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ	فعالیت‌های کد ۳۳، ۳۹ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ
ارزش جبران خدمات	فعالیت کد ۳۹ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ	فعالیت کد ۳۹ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ
ارزش سرمایه‌گذاری	فعالیت کد ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ	فعالیت کد ۳۹ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ
ارزش تولیدات	فعالیت کد ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۳۹ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ	فعالیت کد ۳۳ صنایع کوچک بیشتر از صنایع بزرگ
بهره وری کار	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک
مقیاس تولید	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک
وابستگی و به هم پیوستگی	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک	فقط فعالیت‌های کد ۳۵، ۳۶، ۳۷ صنایع بزرگ بیشتر از صنایع کوچ
ارزش متوسط سرمایه‌گذاری	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک
سرمایه‌گذاری سرانه	صنایع کوچک (بجز فعالیت‌های کد ۳۲، ۳۶ و ۳۹) بیشتر از صنایع کوچک	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک
بعد کارگاه صنعتی	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک
دستمزد سرانه	صنایع بزرگ بجز فعالیت‌های کد ۳۵ و ۳۷ بیشتر از صنایع کوچک	صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک
درجه وابستگی به منابع خارجی	صنایع بزرگ بجز فعالیت کد ۳۴ بیشتر از صنایع کوچک	صنایع بزرگ بجز فعالیت کد ۳۳ بیشتر از صنایع کوچک
سودآوری صنعت	صنایع کوچک بجز فعالیت کد ۳۱، ۳۵، ۳۶ و ۳۷ بیشتر از صنایع بزرگ	صنایع کوچک بجز فعالیت کد ۳۳ و ۳۹ کمتر از صنایع بزرگ

مأخذ: محاسبات تحقیق

۱- طی سالهای ۷۷-۱۳۶۶ همواره تعداد کارگاههای صنعتی کوچک بیشتر از تعداد کارگاههای صنعتی بزرگ بوده است، لذا وجه غالب صنایع ایران را صنایع کوچک تشکیل می‌دهد. به عنوان مثال در سال ۱۳۷۷، ۹۹/۲۳ درصد کارگاههای صنعتی کشور را صنایع کوچک و فقط ۰/۷۷ درصد را کارگاههای صنعتی بزرگ تشکیل داده است.

البته طی ۱۲ سال گذشته شاهد اندکی افزایش در سهم کارگاه صنعتی نسبت به کارگاههای صنعتی کوچک می‌باشیم. ضمناً در میان فعالیتهای صنعتی، تعداد کارگاههای بزرگ صنعتی شامل صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی (کد ۳۴)، صنایع شیمیایی، نفت و پتروشیمی (کد ۳۵) و صنایع تولیدات فلزات اساسی (کد ۳۷) در سال ۱۳۷۷ نسبت به سالهای گذشته به‌طور مشهودی افزایش یافته است و آن معرف توجه برنامه ریزان در شهر و گسترش صنایع مذکور می‌باشد.

۲- طی سالهای ۷۷-۱۳۶۶، تعداد شاغلان (تولیدی و غیرتولیدی) کارگاههای صنعتی کوچک همواره بیشتر از شاغلان کارگاههای صنعتی بزرگ بوده است. به عنوان مثال در سال ۱۳۷۷، ۵۳/۸ درصد کل شاغلان بخش صنعت در صنایع کوچک و ۴۶/۲ درصد در صنایع بزرگ مشغول به کار بوده‌اند. ضمن آنکه طی ۱۲ سال گذشته، کاهش در سهم شاغلان صنایع کوچک و افزایش در سهم شاغلان صنایع بزرگ ملاحظه می‌شود. در ارتباط با فعالیتهای مختلف صنعتی، در سال ۱۳۶۶، سهم شاغلان صنایع کوچک شیمیایی، نفت و پتروشیمی (کد ۳۵) و صنایع تولیدات فلزات اساسی (کد ۳۷) کمتر از شاغلان صنایع بزرگ مشابه بوده است. در سال ۱۳۷۷ نیز سهم شاغلان صنایع کوچک کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی (کد ۳۴)، صنایع شیمیایی، نفت و پتروشیمی (کد ۳۵)، صنایع محصولات کانی و غیرفلزی بجز فرآورده‌های نفت و زغال سنگ (کد ۳۶) و صنایع فلزات اساسی (کد ۳۷) کمتر از صنایع بزرگ مشابه بوده است. به‌نظر می‌رسد که کاهش سودآوری صنایع کوچک در کاهش ظرفیت تولیدی این صنایع و در نتیجه کاهش میزان شاغلان آن مؤثر بوده است. ضمناً تمایل به اشتغال افراد در صنایع بزرگ به علت با ثبات بودن محیط کاری و بالا بودن سطح دستمزد آنها و همچنین افزایش نسبی تعداد کارگاههای صنعتی بزرگ در سالهای اخیر در افزایش سطح شاغلان آن مؤثر بوده است.

۳- ارزش افزوده صنایع بزرگ طی سالهای ۷۷-۱۳۶۶ همواره بیشتر از صنایع کوچک بوده است. ضمن آنکه طی سالهای مورد مطالعه از مقدار سهم ارزش افزوده صنایع کوچک به شدت کاسته شده و به ارزش افزوده صنایع بزرگ اضافه شده است؛ به عنوان مثال در سال ۱۳۶۶، ارزش افزوده صنایع کوچک ۴۹/۱ درصد بوده که ۱۸/۵ درصد در سال ۱۳۷۷ کاهش یافته است. اما ارزش افزوده صنایع بزرگ در سال ۱۳۶۶، ۵۰/۱ درصد بود که به ۸۱/۵ درصد در سال ۱۳۷۷ افزایش یافته است. در ارتباط با فعالیتهای مختلف صنعتی، در سال ۱۳۶۶، ارزش افزوده صنایع نساجی، پوشاک و چرم (کد ۳۲)، صنایع چوب و محصولات چوبی (کد ۳۳)، صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی (کد ۳۴)، صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی (کد ۳۸) و صنایع متفرقه (کد ۳۹) بیشتر از صنایع بزرگ بوده است. اما در سال ۱۳۷۷، فقط ارزش افزوده صنایع کوچک چوب و محصولات چوبی (کد ۳۲) و صنایع متفرقه (کد ۳۹) بیشتر از صنایع بزرگ بوده است. از جمله دلایل عمده افزایش ارزش افزوده صنایع بزرگ نسبت به صنایع کوچک می‌توان افزایش مقدار سرمایه‌گذاری و نیروی کار در صنایع بزرگ و کاهش آن در صنایع کوچک را در سالهای اخیر ذکر نمود و آن بیانگر توجه بیشتر برنامه ریزان اقتصادی به صنایع بزرگ و کم توجهی آنها به صنایع کوچک می‌باشد.

۴- ارزش سرمایه‌گذاری صنایع بزرگ بجز سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ در مابقی سالها همواره بیشتر از صنایع کوچک بوده است. ضمن آنکه طی ۱۲ سال گذشته به شدت از میزان سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک کاسته شده و به سرمایه‌گذاری در صنایع بزرگ اضافه شده است. به عنوان مثال، در سال ۱۳۶۷، ۶۷ درصد سرمایه‌گذاری بخش صنعت متعلق به صنایع کوچک و ۳۳ درصد متعلق به صنایع بزرگ بوده است. اما در سال ۱۳۷۷، تنها ۱۴/۶ درصد سرمایه‌گذاری به صنایع کوچک اختصاص یافته در حالی که ۸۵/۴ درصد سرمایه‌گذاری به صنایع بزرگ تخصیص یافته است.

در ارتباط با فعالیت‌های مختلف صنعتی در سال ۱۳۶۶، ارزش سرمایه‌گذاری صنایع کوچک غذایی، آشامیدنی و دخانیات (کد ۳۱)، صنایع چوب و محصولات چوبی (کد ۳۳)، صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی (کد ۳۴)، صنایع شیمیایی، نفت و پتروشیمی (کد ۳۵)، صنایع محصولات کانی و غیر فلزی بجز فرآورده های نفت و زغال سنگ (کد ۳۶)، صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی (کد ۳۸) و صنایع متفرقه (کد ۳۹) بیشتر از صنایع بزرگ بوده است، در حالی که در سال ۱۳۷۷ تنها ارزش ارزش سرمایه‌گذاری صنایع متفرقه (کد ۳۹) بیشتر از صنایع متفرقه مشابه بوده است.

ضمناً در سال‌های اخیر به شدت از میزان سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک شیمیایی، نفت و پتروشیمی (کد ۳۵) و صنایع تولیدات فلزات اساسی (کد ۳۷) کاسته شده و بر سرمایه‌گذاری صنایع بزرگ فعالیت‌های مذکور اضافه شده است. به نظر می‌رسد که یکی از دلایل میل به سرمایه‌گذاری زیاد در صنایع بزرگ بالا بودن سطح ارزش افزوده و سوددهی آنها نسبت به صنایع کوچک می‌باشد. همچنین تسهیلات دولت در اعطای وام و اعتبار به صنایع بزرگ و انواع حمایت‌های قانونی در گسترش سرمایه‌گذاری در صنایع مذکور موثر بوده است.

۵- ارزش جبران خدمات به مزد و حقوق بگیران صنایع بزرگ علی‌رغم اینکه تعداد شاغلان آن از صنایع کوچک کمتر می‌باشد - طی سال‌های ۱۳۶۶-۷۷ همواره بیشتر از صنایع کوچک بوده است. ضمن آنکه طی سال‌های مورد مطالعه به شدت سهم ارزش جبران خدمات به مزد و حقوق بگیران در صنایع کوچک نسبت به صنایع بزرگ شدیداً کاسته شده است. به عنوان مثال، در سال ۱۳۶۶، ارزش جبران خدمات در صنایع کوچک ۳۴/۴ درصد و در صنایع بزرگ ۶۵/۶ درصد کل بخش صنعت بوده است اما در سال ۱۳۷۷، ۸۳/۵ درصد ارزش جبران خدمات مزد و حقوق بگیران بخش صنعت به صنایع بزرگ و تنها ۱۶/۵ درصد به صنایع کوچک تعلق داشته است. در ارتباط با فعالیت‌های مختلف صنعتی در سال ۱۳۶۶ و ۱۳۷۶ صنایع کوچک متفرقه (کد ۳۹) دارای ارزش جبران خدمات بیشتری نسبت به صنایع بزرگ متفرقه مشابه بوده اند. از جمله دلایل افزایش سهم ارزش جبران خدمات صنایع بزرگ نسبت به صنایع کوچک را می‌توان ارزش افزوده و سود دهی بالای آن ذکر نمود، به طوری که اگر فعالیت صنعتی یک سود دهی بالاتری داشته باشد، شاغلان آن از دستمزد و جبران خدمات بالاتری برخوردار بوده اند. این امر باعث شده است که تمایل به کار افراد متخصص و ماهر در صنایع بزرگ بیشتر از صنایع کوچک باشد که نتیجه آن افزایش بهره وری کار در صنایع بزرگ می‌باشد.

۶- ارزش تولیدات صنایع کوچک از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۹ بیشتر از صنایع بزرگ بوده است. اما در مابقی سال‌های مورد مطالعه، ارزش تولیدات صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک بوده است. به عنوان مثال در سال ۱۳۶۶، ارزش تولیدات صنایع کوچک، ۵۳/۹ درصد و ارزش تولیدات صنایع بزرگ ۴۶/۱ درصد بوده است. اما در سال ۱۳۷۷، ۸۲/۱ درصد ارزش تولیدات بخش صنعت متعلق به صنایع بزرگ و تنها ۱۷/۹ درصد ارزش تولیدات به صنایع کوچک اختصاص یافته است. بدیهی است که ارزش افزوده و سود دهی بالای صنایع بزرگ در افزایش سطح تولید و افزایش ارزش تولیدات آن نسبت به صنایع کوچک تأثیر بسزایی داشته است.

۷- بهره‌وری صنایع بزرگ (به قیمت ثابت ۱۳۶۹) طی سال‌های مورد مطالعه، همواره بیشتر از صنایع کوچک بوده است و شدت نابرابری آن در سال‌های اخیر افزایش یافته است. به عنوان مثال، میزان بهره‌وری کار صنایع بزرگ در سال ۱۳۶۶، ۲/۱ برابر و در سال ۱۳۷۷، ۵ برابر صنایع کوچک بوده است. نکته قابل توجه آنکه بهره‌وری کار تمام فعالیت‌های صنایع بزرگ نیز در طول سال‌های مورد مطالعه همواره بیشتر از صنایع کوچک بوده است. و علت آن را می‌توان از یک طرف بالا بودن چشمگیر ارزش افزوده صنایع بزرگ نسبت به صنایع کوچک و از طرف دیگر استفاده کمتر صنایع بزرگ از عامل کار نسبت به صنایع کوچک و به‌کارگیری تکنولوژی مدرن نیز در فرایند تولید دانست.

۸- مقیاس تولید کارگاه‌های صنعتی بزرگ که بیانگر متوسط ارزش افزوده آنها می‌باشد، طی سال‌های مورد مطالعه همواره به طرز چشمگیری بیشتر از کارگاه‌های صنعتی کوچک می‌باشد و این امری بدیهی و قابل انتظار است. لکن طی ۱۲ سال گذشته اولاً مقیاس تولید کارگاه‌های صنعتی کوچک تقریباً به نصف تقلیل یافته است و از ۶/۳ میلیون ریال (به قیمت ثابت ۱۳۶۹) در سال ۱۳۶۶ به ۳/۶ میلیون ریال در سال ۱۳۷۷ به ازای هر کارگاه تولیدی کاهش یافته است، ثانیاً مشاهده کاهش مقیاس تولید بیشتر فعالیت‌های صنعتی بزرگ می‌باشیم که دلیل آن را می‌توان ناشی از رکود اقتصادی و پیامدهای ناشی از آن در بخش صنعت در سال‌های اخیر دانست.

۹- شاخص وابستگی و به‌هم پیوستگی کارگاه‌های صنعتی در صنایع کوچک عموماً بیشتر از صنایع بزرگ بوده است. و این بدان معنی است که صنایع کوچک دارای ارتباطات پیشین و پسین بیشتری نسبت به صنایع بزرگ می‌باشند. البته مقدار این شاخص طی سال‌های مورد مطالعه در صنایع کوچک و بزرگ کاهش یافته است. به عنوان مثال شاخص وابستگی و به‌هم پیوستگی صنایع کوچک و بزرگ به ترتیب از ۰/۵۱ و ۰/۶۲ در سال ۱۳۶۶ به ۰/۴۶ و ۰/۴۴ در سال ۱۳۷۷ کاهش یافته است و این به معنی کاهش ارتباطات پیشین و پسین صنایع مذکور در سال‌های اخیر است و آن مغایر با استراتژی جدید توسعه صنعتی کشورهای پیشرفته است که صنایع را از طریق پیمانکاری‌های فرعی و شبکه‌های خوشه‌ای به یکدیگر مرتبط می‌کنند.

۱۰- متوسط ارزش سرمایه‌گذاری به ازای هر کارگاه (به قیمت ثابت ۱۳۶۹) همواره در فعالیت‌های مختلف صنایع بزرگ، بیشتر از صنایع کوچک است و این به معنی سرمایه‌بر بودن صنایع بزرگ نسبت به صنایع کوچک می‌باشد. ضمناً در سال ۱۳۷۷، مقدار متوسط ارزش سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و

بزرگ کاهش یافته است که یکی از دلایل آن را می‌توان مشکلات عدیده سرمایه‌گذاری در بخش صنعت دانست.

۱۱- سرمایه‌گذاری سرانه (به قیمت ثابت ۱۳۶۹) که از نسبت ارزش سرمایه‌گذاری به تعداد شاغلان به دست می‌آید طی سال‌های مورد مطالعه عموماً در صنایع کوچک کمتر از صنایع بزرگ بوده است و این بیانگر آن است که به‌طور متوسط برای ایجاد هر شغل مقدار سرمایه‌گذاری کمتری در صنایع کوچک نسبت به صنایع بزرگ مورد نیاز می‌باشد. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۶۶، مقدار سرمایه‌گذاری سرانه صنایع کوچک بجز فعالیت‌های صنایع کوچک نساجی، پوشاک و چرم (کد ۳۲)، صنایع محصولات کانی و غیرفلزی بجز فرآورده‌های نفت و زغال سنگ (کد ۳۶) و صنایع متفرقه (کد ۳۹) بیشتر از صنایع بزرگ بوده است. اما در سال‌های اخیر مقدار سرمایه‌گذاری سرانه صنایع بزرگ همواره بیشتر از صنایع کوچک بوده است. از جمله دلایل پایین بودن مقدار سرمایه‌گذاری سرانه در صنایع کوچک می‌توان کوچک بودن مقیاس تولید، عدم استفاده از ماشین‌آلات گران قیمت، کاربر بودن تکنولوژی تولید و کوچک بودن سازمان و تشکیلات تولیدی صنایع کوچک را ذکر کرد.

۱۲- بعد کارگاه صنعتی با متوسط شاغلان در یک کارگاه صنعتی طی سال‌های مورد مطالعه همواره در صنایع بزرگ بیشتر از صنایع کوچک بوده است. چنین امری بدیهی به نظر می‌رسد زیرا نسبت تعداد شاغلان به تعداد کارگاه‌ها در صنایع بزرگ بیشتر از صنایع کوچک است. لکن در سال‌های اخیر بعد کارگاه (یا بعد اشتغال) در صنایع کوچک و بزرگ کاهش یافته است و این یا به خاطر جایگزینی سرمایه به جای نیروی کار و یا به علت استفاده پایین‌تر از ظرفیت تولیدی واحدهای تولیدی و در نتیجه کاهش تعداد شاغلان می‌باشد.

۱۳- جبران خدمات (دستمزد) سرانه در صنایع بزرگ طی سال‌های مورد مطالعه همواره بیشتر از صنایع کوچک بوده است. اما نسبت دستمزد سرانه صنایع بزرگ به کوچک از ۱/۸ برابر در سال ۱۳۶۶ به ۵/۸ برابر در سال ۱۳۷۷، افزایش یافته است که این امر بیانگر آن است که اختلاف سطح دستمزد بین صنایع کوچک و بزرگ در سال‌های اخیر شدیدتر شده است که برای رشد صنایع کوچک مفید نمی‌باشد. زیرا نیروهای انسانی متخصص و کارآفرین ترجیح می‌دهند در صناعی مشغول به کار شوند که از امکانات رفاهی و مزایای بیشتری برخوردار شوند و لذا تمایل بیشتری به کار در صنایع بزرگ دارند.

۱۴- درجه وابستگی به منابع خارجی صنایع کوچک طی سال‌های مورد مطالعه، همواره کمتر از صنایع بزرگ بوده است و این به عنوان ثبات و کارایی اقتصادی بیشتر صنایع کوچک نسبت به صنایع بزرگ می‌باشد. از آنجا که اتکای صنایع به کوچک به مواد اولیه خارجی کم می‌باشد و واردات مواد اولیه از خارج تحت تأثیر درآمدهای نفتی، نرخ ارز، میزان تسهیلات بانکی، سرعت در گشایش اعتبار بانکی و تغییرات قانون و مقررات وارداتی است.<sup>۱۸</sup> و عوامل فوق به عنوان متغیرهای برون زای واحدهای تولیدی محسوب می‌شود و تحت کنترل آنها نمی‌باشد. لذا تولیدات صنایع کوچک که کمتر متکی به منابع اولیه

۱. زهرا برزگری؛ تابع تقاضای ورادرات ایران و عوامل موثر بر آن؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.



خارجی می‌باشند و کمتر تحت تأثیر نوسانات متغیرهای فوق قرار دارند از ثبات بیشتری برخوردار می‌باشند.

## ۵- جمع بندی و نتایج و ارائه پیشنهادها

نتایج ناشی از مقایسه صنایع کوچک و بزرگ در ایران با توجه به شاخص های کمی اقتصادی حاکی از آن است که گرچه کل صنایع کوچک در بیشتر شاخص ها بجز شاخص های درجه وابستگی به منابع خارجی، وابستگی و به هم پیوستگی واحدهای تولیدی، تعداد کارگاه ها و کل شاغلان، طی سالهای ۷۷-۱۳۶۶ دارای مزیت نسبت به صنایع بزرگ نمی‌باشند، اما در ارتباط با گروه های مختلف صنعتی این امر به طور مطلق مصداق ندارد. به عبارت دیگر برخی از گروه های صنعتی کوچک در سال ۱۳۶۶، در ارتباط با برخی شاخص های اقتصادی مانند ارزش افزوده، ارزش سرمایه گذاری، ارزش تولیدات و سودآوری دارای مزیت نسبت به صنایع بزرگ بوده اند، لکن طی ۱۲ سال گذشته بتدریج مزیت خود را در ارتباط با شاخص های فوق از دست داده؛ به طوری که در سال ۱۳۷۷ تنها یک و یا دو گروه صنعتی همچنان مزیت خود را حفظ نموده اند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که صنایع کوچک در صورتی که بتوانند مشکلات ناشی از روند تولید خود را مرتفع سازند و از فرایند مکانیزه تولید برخوردار و همچنین از حمایت های مالی، فنی، آموزشی و اطلاع رسانی دولت بهره مند باشند، توانایی رقابت با صنایع بزرگ را در داخل و خارج از کشور خواهند داشت.

به نظر می‌رسد جهت افزایش سودآوری و بالا بردن توان تولیدی و رقابتی صنایع کوچک، اقدامات ذیل برای رفع مشکلات آنها باید انجام گردد.

۱- اولاً استراتژی توسعه صنعتی و اقتصادی کشور به طور شفاف مشخص شود و معین گردد که محور توسعه اقتصادی کشور، کدام بخش می‌باشد؛

۲- حال با فرض اینکه بخش صنعت (و مکانیزاسیون در کلیه بخش های اقتصادی) باید محور توسعه اقتصادی کشور باشد، سؤال دوم آن است که: «آیا صنایع بزرگ باید محور توسعه صنعتی و اقتصادی کشور باشد یا صنایع کوچک؟»

۳- اگر بپذیریم که صنایع کوچک مدرن، باید محور توسعه صنعتی و اقتصادی کشور قرار گیرند، در آن صورت نیاز به اصلاحات عمیق و ساختاری در بخش صنعت و همچنین استراتژی توسعه اقتصادی کشور هستیم.

مواردی که در اصلاحات ساختاری باید مدنظر قرار گیرد، به شرح زیر می‌باشد:

الف - تغییر دید مسئولان کشور نسبت به صنایع کوچک و رفع موانع فرهنگی و عدم شناخت اهمیت صنایع کوچک در سطح کشور.

ب - رفع مشکلات صنایع کوچک به شرح ذیل:

۱- رفع کمبود سرمایه و افزایش توان مالی صاحبان صنایع کوچک از طریق ارائه تسهیلات بانکی به آنها؛

۲- رفع مشکل پایین بودن سطح مهارت کارگران از طریق آموزش های فنی به آنها؛

۳- از بین بردن ضعف مدیریت و ناتوانی کارآفرینان در انجام رقابت های سالم و فراگیر از طریق آموزش مدیران به سیستم مدیریتی پیشرفته و ارائه تجارب کشورهای موفق در اداره صنایع کوچک به آنها؛

۴- تقویت انجمنها و تشکل های صنعتی و کارآمد صنایع کوچک در کشور و حمایت از ایجاد خوشه های صنعتی به منظور افزایش قدرت رقابتی صنایع کوچک در مقابل صنایع بزرگ؛

۵- تشویق و حمایت از قراردادهای اقتصادی بین صنایع کوچک و بزرگ از طریق پیمانکاری های

فرعی؛

۶- ایجاد سازمان ها و نهادهای پشتیبانی کننده از صنایع کوچک در کشور به منظور اعطای انواع تسهیلات مالی، فنی و مشورتی به صنایع کوچک با هدف بالا بردن سطح تولید و قدرت رقابتی آنها با صنایع بزرگ داخلی و خارجی کشور؛

۷- باید انواع قوانینی که مانع رشد و گسترش صنایع کوچک می باشد، اصلاح گردد و قوانینی جهت انواع حمایت ها از صنایع کوچک در کشور با استفاده از تجارب سایر کشورها ایجاد شود.

## فهرست منابع

### الف - فارسی

- ۱- آذربایجانی، کریم؛ اندازه گیری و تجزیه و تحلیل بهره وری صنایع کشور؛ اصفهان: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸.
- ۲- افشار، عزت‌الله؛ بررسی تطبیقی استراتژی صنایع کوچک؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- ۳- برزگری، زهرا؛ تابع تقاضای واردات ایران و عوامل مؤثر بر آن؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۴- ثقفی، مه‌ری؛ بررسی اجماعی صنایع کوچک و اشتغال؛ وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۶۴.
- ۵- سازمان صنایع کوچک ایران: مجموعه اهداف، سیاست ها و دستورالعملهای اجرایی؛ تهران، سازمان صنایع کوچک ایران، ۱۳۸۰.
- ۶- شریف النسبی، مرتضی؛ چرخه توسعه، راهنمای رشد شتابان؛ موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۷- صحرائیان، سیدمهدی؛ سازمان دهی صنایع کوچک؛ تهران: انتشارات معارف، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰.
- ۸- قره باغیان، مرتضی؛ اقتصاد رشد و توسعه؛ جلد دوم، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۹- قره‌چه، منیره؛ مدیریت صنایع کوچک؛ مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۷۷.
- ۱۰- مرکز آمار ایران؛ نتایج آمارگیری از کارگاههای صنعتی؛ سالهای ۷۸-۱۳۶۶.
- ۱۱- سمینار نقش و جایگاه واحدهای کوچک صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور وزارت صنایع، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۱۲- هدایی، ضیاءالدین؛ نقش صنایع کوچک در اقتصاد ایران؛ رساله دکتری، ۱۳۴۱.
- ۴- سازمان صنایع کوچک ایران؛ سیاست‌های موفق توسعه صنعتی در ۲۰ کشور صنعتی و در حال توسعه؛ تهران، بهار ۱۳۸۰.

- 1- Bolton ; *Report of the Committee of Inquiry on Small Firms; CMND. 4811; London; H.M Stationary Office; 1971.*
- 2- Brown, H. N. & Langencker, J. G; *Small Business Management, Cincinnati; South West Publishing; 1975.*
- 3- Bruch, N. *Small Establishment as Exporters of Manufactures: Tentative Evidence from Malaysia; World Development; Vol .8; 1980.*
- 4- Larry, Hall E.; *Imports of Manufactures From Less Developed ork ; Columbia University press; 1968.*
- 5- Little Lan, M.D; Mazumdar, Dipak' M. Page, Jr. M; *Small Manufacturing Enterprises; Oxford University Press; 1987.*
- 6- Penrose; *The Growth of Firms; London; Frank Cass; 1971.*
- 7- Pilat, Drik; *Comparative Productivity of Korea Manufacturing: 1967-1987; Journal of Development Economics; Vol . 46.*
- 8- Reddy, A.K.N. & Prasad, K.K.; *Technical Alternatives and the Indian Energy Crisis; Economic and Political Weekly; Bombay; Specia; No. 1; August, 1977.*
- 9- Rietvld, P.Rural; *Small Scale Industries in Developing Countries; Indonesian Experience Development of Economics; Amsterdam; Free University; 1988.*
- 10- Scarce, R. & Goffee; *The Real World of the Small Business Owner; London; Croom; 1986.*